

داستان پوسترهای حاج قاسم

گفت و گوی «فرهیختگان» با طراح پوسترهای «فقط برای خدا»

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

به جملات روی پوسترها نگاه کنید، اینها داستان‌های کوتاهی است از زندگی و مرام شهید حاج قاسم سلیمانی. پوسترهای «فقط برای خدا» چند وقتی است در فضای مجازی دست به دست می‌شود که طرفداران زیادی پیدا کرده است. یک مساله خیلی مهم در این پوسترها توجه ویژه به زندگی حاج قاسم از منظری است که قبل از این کمتر دیده‌ایم. طراحان و ایده‌پردازان این پوسترها، سعی کرده‌اند سبک زندگی ایشان را در قالب داستان کوتاه برای مخاطب جذاب کنند. در گزارش امروز به سراغ ایده این کار که توسط حوزه هنری استان کرمان، انجام شده است، رفتیم و با طراح این پوسترها محمدرضا دوست‌محمدی صحبت کردیم.

مردی که فقط برای خدا کار می‌کرد

احمد ایزدی که نویسنده این پوسترهاست، درخصوص ایده کار مجموعه پوستر «فقط برای خدا» می‌گوید: «پس از شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی، یک موج رسانه‌ای ایجاد شد و مردم می‌خواستند این شهید عالی‌مقام را بهتر بشناسند و زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «حاج قاسم سلیمانی یک مکتب است»، خاطرات هم‌زمان شهید حاج قاسم سلیمانی را بررسی کردم و از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درمورد شهید حاج قاسم سلیمانی متوجه شدم بعد نظامی این مکتب اصل نیست بلکه بعد انسانی آن اصل است. بعد انسانی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی در سیره عملی او نهفته است.» او ادامه داد: «با تبادل نظر و بحث و گفت‌وگو با تیم مجموعه این پروژه به این نتیجه رسیدیم با قلمی که ضمن وفاداری به اصل محتوای پیام که ظرافت‌های داستانی هم دارد، تعدادی از خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی را که واکنش او را در موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد، بازنویسی کنیم. قصد داشتیم حجم را کم کنیم تا مخاطب بتواند با کمترین زمان ممکن این آثار را که آثاری تلقیفی از کار قلم و هنر گرافیک هستند، بخواند و ببیند.»

مجموعه پوستر «فقط برای خدا» منشوراتی است که پس از شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی درمورد ایشان منتشر شده‌اند و ما برای هر یک از این خاطرات یک راوی داریم، اما از زاویه‌ای دیگر به این خاطرات نگاه کردیم و با رعایت اصل امانت به بازآفرینی آن پرداختیم، طوری که به اصل مطلب و پیام اصلی خاطره هیچ ضربه‌ای وارد نشود. این نویسنده کرمانی درخصوص نحوه انتخاب نام برای این مجموعه پوستر گفت: «با توجه به اینکه این مجموعه شامل روایاتی از سیره عملی و اخلاقی شهید حاج قاسم سلیمانی است و همچنین برگرفته از کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی که فرمودند: «حاج قاسم سلیمانی فقط برای خدا کار می‌کرد.» در نهایت نام «فقط برای خدا» برای این مجموعه انتخاب شد. پس از صرف زمان بسیار مبنی بر اینکه این مجموعه در چه بستری منتشر شود، در نهایت تیم این پروژه به این نتیجه رسید که انتشار در فضای مجازی بازخورد بهتری خواهد داشت.» او معتقد است باید نهضت



داستان نویسی مبتنی بر دفاع مقدس ایجاد شود و نیاز است مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی و سیره عملی ایشان را که یک مکتب انسانی، انسان‌ساز است، هنرمندان و نویسندگان حفظ کرده و با هنر خودشان به نسل‌های بعدی منتقل کنند. ایزدی در پایان ضمن قدرانی از تمام کسانی که در به سرانجام رسیدن پروژه مجموعه پوستر «فقط برای خدا» نقش داشتند، گفت: «از گروه پژوهشی مقاومت» که در جمع آوری و رساندن مستندات به ما کمک کردند، تشکر می‌کنم و استقبال بی‌نظیر مخاطبان از ده‌گانه اول «فقط برای خدا» نشان داد شکر خدا و با عنایت شهید حاج قاسم سلیمانی کار خوبی شده است و امیدواریم کارهای بعدی را هم بتوانیم انجام بدهیم.»

نگاهی به زندگی شهید سلیمانی با داستان‌های کوتاه

محمدرضا دوست‌محمدی متولد ۱۳۵۵، مدرس دانشگاه، طراح گرافیک، تصویرساز و کارتون‌ساز ایرانی است. او دارای مدرک کارشناسی ارتباط تصویری از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران و نیز مدرک کارشناسی ارشد انیمیشن از دانشکده سینما و

نبرد سید جابر

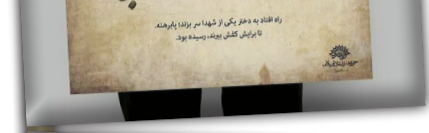
بر اساس آنچه عباس میرزایی در مقدمه کتاب «نبرد سید جابر» آورده است؛ «این کتاب دوره‌ای از فرماندهی سردار سلیمانی بر تیپ ثارالله را روایت می‌کند که او را برای حضور در عملیات بیت المقدس از دوکوهه به دارخوین و سپس حمیدیه آورد و در نبردی سخت و نبرابر در جبهه کرخه کور، لشکرهای ۵۸مکانیزه و عزرهی دشمن را زمین گیر کرد. قرارگاه‌های فتح و نصر، فارغ از رویارویی با تانک‌های این دو لشکر قدرتمند، از کارون عبور کردند. همچنین شرح می‌دهد در زمان نبرد تیپ ثارالله چگونه تحت امر وی، در آردرگاه کوشک، تانک‌های عراقی را به آتش کشیدند. پایه‌های اساسی این کتاب نیز از اسناد مدارک و نوارهای مرکز اسناد و تحقیقات سپاه و تاریخ شفاهی سردار حاج قاسم سلیمانی و فرماندهان و روزمندگان حاضر در خطوط پدافندی

تئاتر دانشگاه هنر تهران است. دوست‌محمدی طراح جلد بیش از ۴۰۰ شماره از هفته‌نامه همشهری جوان بوده و مدیریت بخش تصویرسازی روزنامه جام‌جم، سردبیری مجله جدید و مدیریت هنری مجلات سروش جوان و همشهری جوان را در کارنامه اجرایی خود دارد. تصویرسازی چند اثر برای پروژه بزرگ‌ترین دیوان‌نگار ایران در میدان ولیعصر نیز از جمله آثار مطرح اوست. او درباره خلق این اثر به «فرهیختگان» گفت: «این کار سفارش بچه‌های حوزه هنری کرمان بود. ایده خودشان بود و با من تماس گرفتند و گفتند ما یک سری داستان کوتاه از شیوه زندگی و منش حاج قاسم داریم و از شما می‌خواهیم روی این داستان‌ها تصویرسازی کنید.»

دوست‌محمدی درمورد تعداد این پوسترها می‌گوید: «سری اول ۱۰ پوستر بود که سه ماه پیش منتشر شد و سری دوم هم حدود ۹ پوستر که به‌تازگی منتشر شده است.» او درباره تفاوت این کار که برای حاج قاسم انجام شده با پوسترهای دیگری که طراحی کرده است، می‌گوید: «اول باید بگویم من فقط تصویرهای پوستر را طراحی کرده‌ام و قرار گرفتن متن روی پوستر کار دوستان دیگری است. همانجور که شما گفتید، شخصیت حاج قاسم آنقدر بزرگ و جامع بود که همه آدم‌ها با هر طرز تفکری، ایشان را دوست داشتند و همه از شهادت‌شان ناراحت شدید. فکر می‌کنم این حداقل کاری بود که از دستم برای شناخت بیشتر مردم از نوع سبک زندگی حاج قاسم برمی‌آمد تا سرمنده ایشان نباشم. از این جهت من خودم در زمان کار استرسی داشتم که نکند کار خوب از کار درنیاید. البته این را هم بگویم که ما هر کاری کنیم، نمی‌توانیم زحمتی که ایشان کشیدند را جبران کنیم. تمام تلاش را کردم که کار را خوب و با استاندارد انجام بدهم.» درباره بازخوردهای این پوسترها که می‌پرسم، می‌گوید: «من در فضای اینستاگرام نیستم. اما دوستانم که هستند، بازخوردهای خوبی را در این چند وقت به من اطلاع دادند. بعد از انتشار خیلی‌ها گفتند که کار خوبی شده است. البته آمار درستی ندارم. به‌طور نسبی می‌توانم بگویم دوستان و اطرافیان از کار تعریف کردند، او را و پایان می‌گوید: «به نظرم بهترین کاری که می‌شود برای معرفی حاج قاسم انجام داد همین کارهای کوتاه است که برخی از آنها به صورت فیلم کوتاه یا به شکل سخنرانی از ایشان به دست ما می‌رسد و می‌تواند کمک کند که بفهمیم شیوه زندگی ایشان چطور بوده است. یکی از مشکلات ما این است که ممکن است به خاطر رفتن به محل کار بارها از اتوبان‌های مختلف مثل همت یا همین اتوبان سردار سلیمانی و بقیه عبور کنیم و به گوش مان اسم این اتوبان‌ها بخورد اما تا روزی که متوجه نشویم منش شهید همت چه چیزی بود؟ ممکن است بارها از آنجا عبور کنیم و اتفاقی در وجودمان نیفتاد. دیگر بزرگان هم همین قضیه برایشان صادق است. مثل شهید همت، شهید بهشتی، تا منش آنها را پیدا نکنیم و ندانیم که در لحظه لحظه زندگی‌شان چه کاری انجام می‌دادند، نمی‌توانیم در زندگی‌مان روش آنها را بیابیم. برای همین کارهایی مثل این پوستر که حالت داستان کوتاه دارد و وقت زیادی از مخاطب نمی‌گیرد، می‌تواند خیلی موثر باشد و ما را با زندگی این شهدا بیشتر آشنا کند.»

و عملیات هاست. اردتمند در کتاب اول از این مجموعه غفلت کردم و از روایت افرادی که دست‌ورهای سلیمانی را با جان و دل اجرا کردند و به شهادت رسیدند، بهره‌نبردم. با وجود اینکه نوارهای صوتی مصاحبه‌های بسیاری از آن شهدا را در دست داشتم و انتقاد به جای خانواده‌گرمی این شهدا را می‌پذیرم، به جبران مافات، در این کتاب و کتاب‌های بعدی مجموعه، تا جایی که چارچوب کلی ذکر شده در مقدمه کتاب اول صدمه نیندازد، روایات شهادتی عملیات استفاده می‌کنم.»

کتاب نبرد سید جابر، در ۱۳ فصل نگاشته شده و فصل‌هایی مانند «پس از فتح المبین»، «سازمان رزم تیپ ثارالله»، «نبرد در شب»، «عملیات کوشک»، «فصل‌نامه‌ها بین اردیبهشت تا تیر سال ۱۳۶۰ را روایت می‌کند. دویخش را با تیپ ثارالله منابع و اسناد و ضمائم و تصاویر و لشکر ثارالله و دیگر رزمندگان اختصاص داده شده است. این کتاب هرچند یک دوره زمانی سه‌ماهه را روایت می‌کند، اما حجم اتفاقاتی که در این بازه زمانی می‌افتد، آنقدر زیاد و سرعت تحولات آنقدر تند است که ۳۶۰ صفحه‌برای بیان این اختصاص یافته است. گفته می‌شود یکی از دلایلی که عناوین بعدی این مجموعه منتشر نشد، رضایت شهید سلیمانی از آنها بود. شهید سلیمانی معتقد بود در این دو کتاب از او ستایش شده و علاقه‌ای نداشت که این روند ادامه یابد. حالا باید منتظر ماند و دید عناوین بعدی که آماده‌هم هستند، چه زمانی منتشر خواهند شد. در پشت جلد این کتاب این نقل قول از شهید قاسم سلیمانی آمده است: «همچنین افرادی داشتم که با سر و جان کار کردند. خب بعضی‌ها با سر و جان کار کردند، ولی واقعا خسته شدند. برادر من تجلی هم خیلی کار کرد. خیلی زحمت کشید. ایستون گفت آقا خسته شدم. برادر من خسته شدم. احتیاج به استراحت دارم. ما قبول می‌کنیم. همه شما خسته شدید. واقعا این را قبول دارم. به حدی رسیده که خودم هم بریده‌ام،



چند پیشنهاد برای خواندن درمورد سردار شهید

خواندن کتاب‌هایی به روایت یا درباره سردار حاج قاسم سلیمانی، بعد از شهادت ایشان با استقبال زیادی همراه بود. هنرمندان ایرانی به کمک انواع مختلفی از زبان هنر می‌توانند به این آثار رجوع کنند تا از میان همین خاطرات، بخش‌های درخشانی از زندگی این سردار شهید را بازتابی کنند. آنچه می‌خوانید، تنها بخش کوتاهی از آثاری است که درمورد حاج قاسم سلیمانی منتشر شده است.

روزی روزگاری قاسم سلیمانی

مجموعه ۱۶ جلدی «روزی روزگاری قاسم سلیمانی» که تاکنون دو جلد آن توزیع شده، یکی از آن منابع گرانسنگ شناخت شهید سلیمانی است. هدف از تهیه و انتشار این مجموعه طبق گفته دست‌اندرکارانش نشان دادن چگونگی هدایت نیروهای تحت امر شهید سلیمانی در میدان جنگ و در سخت‌ترین شرایط است. در این کتاب‌ها می‌خوانیم که چگونه این فرمانده جوان در نبود همکار مسئول منطقه، تپه درجه‌دومی را به لشکری قدرتمند و خط‌شکن تبدیل کرد و چگونه رزمندگان ثارالله را از خطوط مستحکم دفاعی دشمن در تمام جبهه‌ها و در جبهه شرق بصره عبور داده است و در نهایت به این پرسش‌های کلیدی پاسخ می‌دهد: چرا افراد لشکرش، پس از ۲۰ سال هنوز مرید او هستند و تا پای جان بر سر پیمان‌شان ایستاده‌اند. آن طور که عباس میرزایی، مصاحبه‌کننده و تدوینگر این مجموعه در مقدمه کتاب آورده، مراحل مختلف تحقیق، مصاحبه، تدوین، تهیه مدارک و اسناد کتاب‌های آماده‌چاپ مجموعه «روزی روزگاری قاسم سلیمانی» ۱۲ سال طول کشیده است. جلسات تاریخ شفاهی شهید سلیمانی طبق گفته میرزایی از زمستان ۹۱ در تهران آغاز شد و تا زمستان سال بعد ادامه داشته است. در این جلسات به‌مناسبت موضوع بحث، رئیس ستاد، معاون عملیاتی فرماندهی و

ولی الان در حالی هستیم که اگر پدرم هم بمیرد نمی‌روم، اگر مادرم هم بمیرد نمی‌روم.»

«حاج قاسم»

خاطرات کتاب «حاج قاسم» را علی‌اکبر مزداآبادی گردآوری کرده است. این کتاب فقط شامل خاطراتی کوتاه از حضور شهید حاج قاسم سلیمانی در هشت سال دفاع مقدس است. گردآورنده این کتاب در مقدمه آورده است: «این کتاب بنیاد داشته به‌جز خاطرات سال‌های دفاع مقدس و اردمقطع دیگری از حیات جهادی ایشان شود. حاج قاسم سلیمانی در زمان هشت سال دفاع مقدس، هم‌زمان با بی‌ادعای حاج‌همت، مهدی باکری و علی‌هاشمی بود. غربی‌ها خصوصاً یانکی‌ها درست همین چهره حاج قاسم را نمی‌شناسند و از همین رو فرزند کویر برایشان مرزوم و عرب‌انگیز است. آنچه می‌خوانید، بخشی از این کتاب است: «من شوق و علاقه زیادی به طرح‌ها و مسائل نظامی داشتم و علاقه‌مندم حضور در جبهه بودم و درست به‌دلیل همین علاقه بود که بیاک ما موریت ۱۵ روز و در جبهه شدم و دیگر تا آخر جنگ بازنگشتم. بهترین عملیاتی که در آن شرکت کردم، فتح المبین بود که آن زمان برای اولین بار به‌ماماموریت داده شد تا تیپ تشکیل بدهیم و من که مجروح هم بودم، معاونت فرماندهی محور در جبهه شوش و دشت عباس را به‌عهده گرفتم. این عملیات از نظر بازدهی برای من بسیار شیرین و خاطره‌انگیز است، زیرا با اینکه از نظر سلاح بسیار در مضیقه بودیم، اما به‌همت رزمندگان اسلام توانستیم حدود ۳۰۰۰ عراقی را به اسارت درآوریم. عملیات والفجر نیز گذشته از پیروزی‌ای که به‌دنبال داشت، از لحاظ آماده‌سازی و سختی‌هایی که بچه‌ها متحمل شدند، بسیار لذت‌بخش بود. در این عملیات نقشی اساسی به‌لشکر ثارالله کرمان داده شده بود.»